

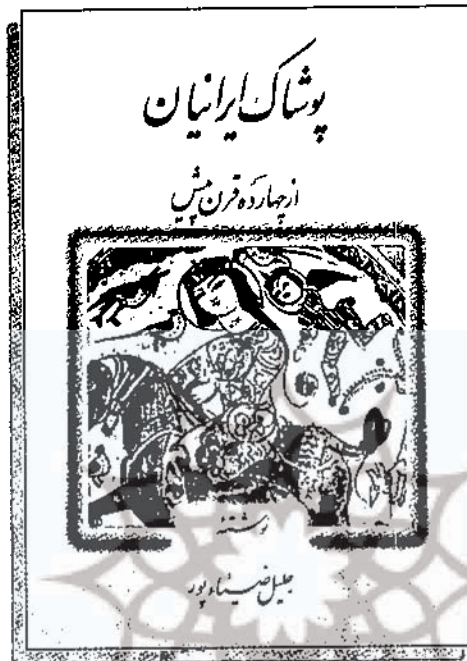
پوشاک ایرانیان

از چهارده قرن پیش تا آغاز دوره پهلوی

● عزیزه عدلی

● پوشاک ایرانیان از چهارده قرن پیش تا آغاز دوره پهلوی

● نوشته: شادروان استاد جلیل ضیاءپور
● ناشر: وزارت فرهنگ و هنر «سابق»



مشرق ایران (که نهضت‌های سیاسی و اقتصادی اکثر آن سوی برخاسته است) توجه کنیم، زیرا عباسیان، سامانیان، صفاریان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان و تیموریان، همه از آن سو سیاست خود را به مناطق دیگر گسترانیده‌اند. ضیاءپور در شروع، مبحثی تحت عنوان «رابطه‌ها و وجوه اتصال پوشاک‌ها» می‌نویسد: «آیا رابطه‌ها و وجوه اتصال پوشاک پس از ساسانی‌ها در اوائل اسلام نیز میان مردم ما همچنان برقرار بوده یا به کلی دگرگون شده و پوشاک دیگری رخنه نموده است؟»

نویسنده بحث را با پایه‌دار بودن و استواری تمدن ایرانی و رخنه ناپذیری آن از جهت تقلید یا تحمیل آغاز می‌کند و با ارائه تصاویر متعددی از نقش برجسته‌های گچی، بشقاب‌های لعابدار و فلزی و نقاشی‌های دیواری و پارچه‌ها و... از دوره ساسانی و صدر اسلام (اوایل اسلام در ایران) به وجود زمینه‌های کافی برای ربط دادن دوره ساسانی (با همه وسائل ارتباطی) به اوائل اسلام می‌پردازد.

او پس از این نتیجه‌گیری کلی، با عنایت به آثار و مدارک موجود، به شرح پوشاک اوائل اسلامی مردم ایران (همچنین زمان سامانیان، غزنویان و آل بویه) پرداخته و در خصوص لباس و پوشاک دوران‌های مذکور عقیده دارد که مردان ایرانی دارای ۷ قطعه لباس و پوشاک شامل قطعات زیر بوده‌اند:

۱- کلاه یا سرپوش - که مشخصه آن نوک تیز،

۶- قباها با الهام‌گیری هر یک پس از دیگری با حفظ اکثر خصوصیات دوره‌های پیش کم کم شکل‌های تازه آشنا به قدیم به خود گرفته است.

۷- لیه جنبه‌ها (و دامن آنها نیز) قلاب دوزی و منقوش می‌شده است.

۸- پای افزارها نیز، از این نوع زینت برخوردار می‌گردیده و دکمه‌های فلزی و نوارهای قلاب دوزی شده داشته است.

۹- شکل پای افزارهای ساق بلند و بنددار دوره ماد با کمی تغییر تا زمان ساسانیان حفظ شده است.

۱۰- پای افزار نوک برگشته سورن اشکانی، یادآور پای افزارهای نوک برگشته مادها و هخامنشی‌ها در تخت جمشید است.

۱۱- پای افزار ساق بلند ساسانی‌ها، همان پای افزار سپاهیان اشکانی و گل بندسازی‌ها نیز همان است که در دوره اشکانی‌ها معمول بوده است.

مؤلف در خاتمه این بحث خود با عنایت به شباهت‌های دور و نزدیک پوشاک، از دوره ماد تا دوره‌های پس از آن، می‌گوید که: «می‌توان تصور داشت که پوشاک هر دوره‌ای، از دوره‌های گذشته خود (یا در نظر گرفتن حوزه‌های مرکزی) چگونه زمینه‌ای داشته است». او در ادامه می‌افزاید:

«برای دوره اسلامی، می‌باید به شمال شرقی و

کتاب «پوشاک ایرانیان از چهارده قرن پیش تا آغاز دوره پهلوی» یکی دیگر از کتاب‌های متعدد و ضمناً غنی و پر محتوایی است که توسط زنده یاد ضیاءپور در زمینه لباس و پوشاک مردم ایران به رشته تحریر درآمده است. کتاب مذکور افزون بر فهرست منابع و مأخذ در ۴۲۵ صفحه نوشته شده و دارای ۲۳۶ تصویر و یک طرح و ۱۱ نقش رنگی است. مباحث اولیه و آغازین کتاب به بررسی نظریات محققانی نظیر «او مستد»، «سایکس»، «هرودوت»، «دیاکونف» و «مصطفوی» (نویسنده کتاب هگمتانه) در رابطه با لباس و پوشاک ایرانیان در دوره ایران باستان پرداخته که با تصاویر زنده و گویا از نقش برجسته‌ها، تندیس‌ها، پلاک‌ها، مهرها و... همراه است. نویسنده در پایان نیز بحثی پیرامون «لباس پارسی کدام است؟» با استناد قرار دادن نظرات محققان و آثار موجود نتیجه می‌گیرد که:

- ۱- در سه دوره ماد، اشکانی و ساسانی، شلوار چین دار را به کار می‌برده‌اند.
- ۲- در همه دوره‌های مذکور، شلوار در جلوی خود (بر راستای تیغه پا و زانو به بالا) نوار وزینت داشته است.
- ۳- زینت روی نوارها از نقوش سه گوش و زیگزاگ کم کم به زیورهای گرد مبدل شده است.
- ۴- شلوارها قلاب‌دوزی و منقوش می‌شده است.
- ۵- نقوش پرندگان که بر شلوار مادها قلاب دوزی می‌شده بر پوشاک دیگر دوره‌های بعد نیز انتقال یافته است.

گفتنی است که سرپوش (عمامه) و نیز قبای مردان ایرانی طی قرون دهم و یازدهم (یعنی سده اول و سده دوم دوره صفوی) با هم تفاوت‌هایی دارند که این تفاوت‌ها در نگارگری‌های مکاتب تبریز و اصفهان نیز مشهود است.

استاد تنها راه رسیدگی به پوشاک دوره افشاریه را توجه به پوشاک نادرشاه می‌داند، چرا که معتقد است برخلاف دوره قبل - یعنی دوره صفویه - مدارک و اسناد بسیار ناچیزی در مورد لباس و پوشاک افشاریه در دسترس است بنابراین او با استفاده از تصاویری از نادر که در «نادرنامه» و «نادر شاه» (نوشته لکه‌هارت) و کتاب «نادرشاه» (نوشته سرمارتیمر دیوراند) و... در دسترس است در خصوص لباس نادرشاه که می‌تواند چهارچوبی برای لباس مردان در دوره صفویه باشد، نظرات خود را بیان داشته است و بر این اساس اظهار نظر می‌کند که لباس و پوشاک مردان ایرانی در دوره افشاریه مشتمل بر کلاه نمدی که بر دور آن دستاری بسته می‌شده، پیراهن زیر، قبای زیر، قبای رو، شال کمر، شلوار و کفش ساقه بلند بوده است. نویسنده کتاب با عنایت به نقاشی‌های به جای مانده از دوره زندیه و نیز برخی از انواع لباس دوران مذکور که کم و بیش می‌توان آنها را در برخی از موزه‌ها یافت، معتقد است که البسه و پوشاک دوره زندیه مشتمل بر ۶ قطعه یعنی شامل کلاه - که از جنس نمد، استوانه‌ای (به شکل تخم مرغی ناقص) و با کلگی نیمگرد بوده است و با دستاری از جنس شال‌های مخطط پوشیده می‌شده است - پیراهن زیر، قبای زیر، قبای روی، شلوار و پای‌افزار بوده است.

قسمت‌های پایانی کتاب به شرح لباس و پوشاک مردان ایرانی در دوره قاجاریه اختصاص دارد. دوره مذکور از جمله دوران‌هایی است که هم اسناد و مدارک به صورت مکتوب و تصویر از آن در دسترس هست و هم آنکه نمونه‌های متعدد و مختلف از البسه و پوشاک آن را در موزه‌ها و نیز نزد خانواده‌ها می‌توان یافت و استاد ضیاءپور با قطعیت و قاطعیت کافی در خصوص لباس و پوشاک مردان دوره قاجار توضیح داده است و معتقد است که لباس و پوشاک مردان ایرانی در دوره فوق‌الذکر مشتمل بر ۷ قطعه نظیر کلاه پوستی نوک بلند که کلگی فرورفته با حفظ وضعیت مخروطی داشته و از ماهوت الوان و اغلب قرمز پوشیده (که البته این نوع کلاه در چند دهه آخر دوره قاجاریه تغییراتی می‌یابد)، پیراهن زیر قبای زیر، قبای روی، شلوار، پای‌افزار و جوراب است. تصاویر و طرح‌های متعدد کتاب برارزش و محتوای آن افزوده و نتیجه‌گیری‌های منطقی و مستدل نویسنده مطلع و دانشمند آن نشان از مطالعات عمیق و نیز کنجکاوی قابل تحسین و زحمات فوق‌العاده‌اش دارد. به این ترتیب کتاب با ارزش دیگری در مجموعه محدود لباس و پوشاک ایران به ثبت رسیده است و این دریغ و افسوس را برجای می‌گذارد که چرا در سال‌های اخیر کمتر محقق - نه تنها در زمینه لباس و پوشاک که در اغلب رشته‌های هنری و بویژه هنرهای سنتی - بر حوصله‌ای را با چنین دقتی می‌توان یافت که چنین آثاری را ارائه دهد.



تیموری عمدتاً از نقوش موجود در آثار نگارگری، بهره می‌گیرد و با استناد به نقوش مردان ایرانی در این گونه آثار بر این عقیده است که ۷ قطعه البسه و پوشاک مردان ایرانی را در دوره مذکور به ترتیب: پیراهن زیر، قبای زیر، قبای رو، بالاپوش یا جبهه، پای‌افزار - از نوع ساق بلند، نیمه ساق بلند و بدون ساق - انواع عمامه پیچیده به کلاه و شلوار تشکیل می‌دهند.

همچنین در بررسی لباس و پوشاک ایرانیان در دوره صفویه، عمدتاً از نگارگری‌های مکاتب تبریز و اصفهان بهره می‌گیرد، ضمن آنکه طرح‌های زیبای موجود در برخی از پارچه‌های مخمل دوره صفویه و نیز طراحی‌هایی که بر روی پارچه‌های دستباف دوره صفویه به عمل آمده، مدرسان او بوده است. گفتنی است که استفاده از نظرات سودمند و با ارزش «شوالیه شاردن» و «ژان باتیست تاورنیه» که از سیاحان مشهور فرانسوی می‌باشند و در دوره صفویه به ایران سفر کرده‌اند، مشاهدات او را قوت و استحکام بخشیده است چرا که سیاحان مذکور ضمن سفرنامه‌های خود مطالب مفیدی را هم در خصوص لباس و پوشاک به رشته تحریر در آورده‌اند.

نویسنده، لباس و پوشاک مردان ایرانی در دوره صفویه را شامل ۹ قطعه می‌داند که عبارتند از:

- ۱- عمامه ۲- پیراهن زیر ۳- پیراهن رو ۴- قبا ۵- شال کمر ۶- بالاپوش ۷- شلوار بدون جوراب ۸- جوراب ۹- پای‌افزار

شیاردن، بانوار و حاشیه است. همچنین نواری که مانند اشکانیان، موی سر را در بالای پیشانی جمع می‌کرده‌اند که با عنایت به موارد موجود احتمالاً کلاه‌های نمدی کوتاه نیم گرد نیز داشته‌اند.

۲- پیراهن بلند با استین بلند و با نقشی در بازو و دم استین و گرداگرد دامن دارای حاشیه زینتی بوده است.

۳- از خالق

۴- شلوار که در مچ پا جمع می‌شده است.

۵- قبا

۶- پای‌افزار، که می‌توان به صراحت گفت نوع نیمه ساق بلند آن وجود داشته است.

۷- کمر بند که از نوع چرمی بوده و هم زیور دار و هم بدون زیور آن وجود داشته است.

وی در رابطه با پوشاک ایرانیان در دوره سلجوقی، با استناد به نقش‌های به جای مانده بر آثار فلزی و سفالین قرون ششم و هفتم ه. ق و نیز نقش برجسته گچی متعلق به «ری» عقیده دارد که البسه و پوشاک مردان شامل ۷ قطعه مشتمل بر: قبا، که بیشتر از نوع یقه مایل و گاهی نوع جلو باز بوده است. کمر بند، که پارچه‌ای با اویز بوده است. بالاپوش، که عمدتاً در نوع استین کوتاه بوده است. شلوار، که از نوع تنگ، نیمه فراخ و فراخ و دمپا گشاد بوده است. پای‌افزار، که انواع ساق بلند و نیمه ساق بلند داشته است. همایل و سرپوش، که شامل کلاه، نوار تزئینی و عمامه بوده است می‌باشد.

استاد ضیاءپور، در خصوص لباس و پوشاک دوره